

حاشیه ای بر نامه ای ننگین ...

خبرگزاری آران

نویسنده و پژوهشگر: مهرا آذری

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

تقویت روابط رژیم اشغالگر قدس و جمهوری آذربایجان با روی کار آمدن دولت الهام علی اف در سال 2003 ابعاد جدیدی به خود گرفته و گسترش این روابط شوم از اولویت های اساسی سیاست خارجی این جمهوری قرار گرفته است. از طرف دیگر؛ با وجود اعتراضات داخلی و ابراز انزجار مردم جمهوری آذربایجان از گسترش این روابط، در سالهای اخیر نه تنها شاهد گسترش مبادلات تجاری و نظامی بین دو کشور، بلکه شاهد افزایش سفرهای مقامات بلند پایه ی این رژیم جعلی به این جمهوری تازه متولد شده بوده ایم.

بی اعتنائی حاکمیت جمهوری آذربایجان به خواسته های مردم کشورشان در حالی صورت می گیرد که دولت الهام علی اف به بهانه ی آزاد سازی 20 درصد از سرزمین های فراموش شده ی خود بجای اتکا به نیروی مردمی با افزایش سفرهای صهیونیست ها مهر تاییدی بر اهداف ضدانسانی این رژیم شوم در منطقه زده و خود را در ردیف هم پیمانان و مجریان طرح های صهیونیستی قرار داده و یا به عبارت دیگر تقویت روابط خود با این رژیم را تنها راه آزادسازی قره باغ عنوان کرده است.

28 ژوئن 2009 برای مردم جمهوری آذربایجان یادآور سفر شیمون پرز، قاتل کودکان غزه به باکو و آغاز سرکوب جریانات اسلام خواهی بود که با ممنوعیت اذان و تخریب مساجد تداوم یافت. آنچه از اسناد منتشر شده توسط ویکی لیکس برمی آید در همین سال الهام علی اف روابط باکو و تلاوی را چنین توصیف می کند: "روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل مانند کوه یخ بزرگ می باشد که 90 درصد آن زیر آب قرار گرفته است". که این خود حاکی از عمق روابط طرفین و جنبه های پنهان آن می باشد.

در 11 فوریه 2010 سفر آویگدور لیبیرمن وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان بیانگر اوج گرایش سران باکو به این رژیم و بی اعتنائی به خشم و نفرت مردم مسلمان این جمهوری از این روابط بوده است. بطوریکه بعد از سفر هریک از مقامات صهیونیستی موجی از اعتراضات در قالب های مختلف در سطح کشور انتشار پیدا می کند.

مدتی بعد داوید هریس مدیر کمیته ی یهودیان آمریکایی در جولای 2010 و دقیقاً بعد از بازگشت هیلاری کلینتون از باکو ضمن سفر به این کشور و ملاقات با یهودیان ساکن از نزدیک با مقامات رسمی جمهوری آذربایجان دیدار و گفتگو کرد. درست در همین سال الهام علیف با امضای حکم منع رژیم ویزا در فرودگاه، آخرین تلاش های خود را در جهت تسهیل و ارتقای کمی و کیفی سفرهای صهیونیست ها به باکو را انجام داد که حاصل و توشه این خوش خدمتی ها در پاییز 2010 با منع پوشش و حجاب در مدارس نمود یافت.

سال 2011 برای مردم جمهوری آذربایجان یادآور حوادث تلخ دهه ی 1930 و بویژه ی کشتار و حبس مردم توسط استالین در سال 1937 بوده است. در این سال باتوجه به گسترش موج بیداری اسلامی، حاکمان باکو که زنگ خطر راز قبل برای خود به صدا در آورده بودند، به منظور اجرای سیاستهای دیکته شده ی صهیونیستی و جلوگیری از نفوذ موج بیداری اسلامی، بعد از سخنرانی حماسی حاج محسن صمداف رهبر حزب اسلام آذربایجان بازداشت گسترده روحانیون آذری و اسلامگرایان را با اتهامات واهی آغاز کرده و در ادامه با تصویب قانون منع خرید و فروش اقلام دینی و ممانعت از اعزام مبلغان دینی نهایت خوش خدمتی و رقص در برابر صهیونیست ها را نشان دادند. از طرف دیگر بی شک کسب مقام اول مسابقات یوروویژن در سال 2011 و میزبانی آن در سال بعد امری سفارشی برای سرپوش نهادن و لگدمال کردن ندای اسلام خواهی و رواج بی بندباری در جمهوری آذربایجان توسط رژیم صهیونیستی رقم خورده است.

سال 2012 با وجود گذشت 4 ماه از آغاز آن، برای سران باکو و تلاویو سال پرکاری از لحاظ دیدارها و سفرهای مقامات دو طرف بوده است.

در 25 ژانویه ی 2012 الهام علی اف در حاشیه ی برگزاری اجلاس داووس در سوئیس با اشتیاقی وصف ناپذیر بار دیگر با شیمون پرز رئیس جمهور رژیم جعلی اسرائیل دیدار و گفتگو کرده و خواستار گسترش همه جانبه ی روابط فی مابین شد. حدود دو ماه بعد و در 27 مارس 2012 وان مریدور وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی در حاشیه ی نشست امنیت هسته ای در کره ی جنوبی ضمن دیدار با الهام علی اف بطور رسمی از ایشان جهت سفر به تلاویو دعوت بعمل آورد. اما دیری نپایید و درست یک ماه بعد و در تاریخ 23 آوریل 2012 آویگدور لیبیرمن وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی برای دومین بار و به منظور شرکت در مراسم بیستمین سالگرد آغاز روابط فی مابین و همچنین تاسیس رایزنی فرهنگی این رژیم در باکو در سفری غیرمنتظره و مخفیانه به جمهوری آذربایجان سفر کرده و ضمن بازدید و گفتگو با مقامات آذری مقدمات تاسیس رایزنی فرهنگی این رژیم در باکو را مورد بحث و گفتگو قرار داد. در جریان گفتگوها اعلام شد که حجم گردش تجاری بین دو کشور بالغ بر 4 میلیارد دلار می باشد. این، رقمی بزرگ در مقایسه با سایر کشورهای همسایه است. اگر مشخص تر بگوییم، حجم معاملات تجاری آذربایجان با روسیه در سال 2010 بالغ بر 1/9 میلیارد دلار و در سال 2011 نیز 2/8 میلیارد دلار بود. با ترکیه نیز این رقم در سال 2011 1/4 میلیارد دلار بود. حجم مبادلات تجاری با ایران نیز در سال گذشته از حد 250 میلیون دلار تجاوز نکرده است.

25 آوریل 2012 برای مردم مسلمان جمهوری آذربایجان شاهد ارسال خفت آورترین نامه از سوی الهام علی اف به شیمون پرز و اظهار بهترین تبریکات به مناسبت تاسیس این رژیم منحوس و جعلی بوده است، روزی که مردم مظلوم فلسطین از آن به روز نکبت یاد می کنند. الهام علیف رئیس جمهور جمهوری آذربایجان طی این نامه از طرف خود و مردم آذربایجان این روز را به سردمداران این رژیم غاصب تبریک گفته است. نامه ای که در تاریخ پرفراز و نشیب جمهوری آذربایجان و برای مردم ظلم ستیز این دیار ننگ محسوب می شود.

ارسال این نامه را می توان به نوعی وابستگی سردمداران حکومت علیف دوم به رژیم اشغالگر قدس دانست. حکومتی که حیات و بقاء خود را در تقویت و تداوم روابط با این رژیم جستجو می کند بی شک از کمترین حمایت های مردمی در عرصه های مختلف مواجه خواهد شد؛ آنچه که هم اکنون شاهد آن هستیم، و این همان حقیقت تلخی است که موجب فراموشی 20 ساله ی قره باغ کوهستانی شده و حاکمیت را برآن داشته تا به منظور سرپوش نهادن به این حقیقت و کسب رضایت مردم عادی و همچنین ادامه ی سیاست یک بام و دو هوای خود دیدارها و گفتگوهای تشریفاتی خود را با سران ارمنی تداوم بخشد که نتیجه ی این دیدارها نیز تاکنون چیزی جز پرداختن به تفریحات معمول مثل اسکی، شطرنج و قمار و... نبوده است.

نگاهی واقع بینانه به وضعیت رژیم صهیونیستی نیز حاکی از آن است که این رژیم جعلی حتی عادیترین حقوق یک ملت را نیز لگدمال می کند، سیاستی ظالمانه در عمل پیاده کرده و مشغول به تروریسم می باشد. در سازمانهای بین المللی نیز صرفاً در سایه ی استفاده از حق وتو توسط آمریکا باقی می ماند. از این رو تمایل به داشتن مناسباتی خوب با کشورهای اسلامی دارد. مناسباتی که بعد از قیام های مردمی و اسلامی اخیر رو به تیرگی نهاده است.

گذشته از این روابط، سئوالی که همیشه در اذهان باقی خواهد ماند این است که سران باکو که همیشه از مدعیان و پیشتازان ژست دموکراسی و آزادی بیان بوده و هستند چگونه می توانند خواسته ی بحق مردم خود را که گرفتار فقر رسانه ای و سانسور شدید خبری حاکمیت شده اند را نادیده گرفته و خود را گرفتار عناوین و القاب ساختگی و شعارهای تکراری کنند؟! غافل از اینکه امواج بیداری اسلامی و موج عدالت طلبی و آزادی خواهی مردم در لایه ها و سطوح زیرین جامعه در حال شکل گیری می باشد که نمونه ی آن را می توان در حوادث شرقیبا و طفره رفتن الهام علی اف از پاسخ به سئوال خبرنگاری در برلین جستجو کرد. آیا سرنوشت حاکمان خودکامه ای چون مبارک، بن علی و قذافی درس عبرتی برای سایرین نشد؟

فاعتبرو یا اولی الابصار

منابع:

روزنامه ینی مساوات

روزنامه آزادلیق
خبرگزاری آران
خبرگزاری آذربایجان
خبرگزاری آریا